علی دوانی

استعداد ایرانی

بهمنیار یکی از دانشمندان بزرگ و حکمای نامی ایران است . او سرآمد شاگردان فیلسوف مشهور شرق شیخ الرئیس بوعلی سینا بود . او کسی است که مشکلات علوم و کتب شیخ را حل نمود و دقایق فکر او را کشف کرد و بدرك بسیاری از رموز و اسرار منطق و فلسفه نائل گشت .

او در میان انبوه شاگردان ابن سینا از همه معروفتر و بشیخ نزدیکتر و نبوغش از همه بیشتر بود .

آیا میدانید او نخست کی بود و چگونه بر اثر یك تصادف مختصر استعداد ذاتی او جلوه گر شد و همان موجب گردید که بآن مقام والا نائل شود ؟

گویند در آن روزگار که اوضاع جهان آرام و زندگی ماشینی امروز اعصاب مردم را فلج و افکار همه را مشوش و پراکنده نساخته بود ، و دانشجویان ایران در همه جا بمنظور ملاقات رجال علم و کسب دانش در تکاپو بودند و در هر فرصت حتی در سخت ترین لحظات زندگی از تعقیب این هدف مقدس دست بردار نبودند ، روزی شیخ الرئیس ابن سینا از دکان آهنگری میگذشت . دید پسر بچه ای جلو دکان آهنگری ایستاده و با دست خالی از آهنگر پارهٔ آتش طلب میکند (۱)

آهنگر نظری بسر و وضع پسر بچه انداخت و گفت : ظرفت را بگیر تا آتش در آن بریزم !

پسر بچه متوجه شد که با دست خالی آمده ، در صورتیکه لازم بود قبلا ظرفی برای بردن آتش با خود میآورد . از اینرو نخست در برابر درخواست آهنگر

(۱) روضات الجنات .

تکانی خورد سپس فوری دستش را جلو برد و گفت: در کف دست من بریز!

آهنگر گفت: دستت میسوزد! پسر بچه فوراً خم شد مشتی خاک از زمین برداشت و در کف دست خود ریخت و آن را صاف کرد و با آهنگر گفت: این هم ظرف، این دیگر نمیسوزد!.

ابن سینا که خود نابغه‌ای بزرگ بوده و درباره حافظه و قوه شنوائی و نیروی دید و استعداد مواج او داستانها نوشته و گفته‌اند و چیزها شنیده‌ایم، از تیزهوشی و فرصت‌شناسی و استعداد خداداد این پسر بچه در شگفت ماند و در دل بر این گونه استعدادها که مانند آتش زیر خاکستر خاموش و رفته رفته از بین میرود، افسوس خورد.

آنگاه جلو آمد و نام او را پرسید و دانست که او بهمنیار و از یک خانواده گبر است که مانند برخی از ایرانیان آن روز هنوز کیش مسلمانی نپذیرفته بود.

ابن سینا از وی خواست که نزد وی بماند و او هم در تعلیم و تربیت او بکوشد تا دانشمند شود و بمقام بلندی برسد.

بهمنیار تقاضای شیخ را پذیرفت و بخدمت وی پرداخت و در همه جا مانند سایه دنبال او بود. چیزی نگذشت که مسلمان شد و با استفاده از محضر شیخ از نوابغ نامی بشمار آمد و همان موقع آوازه‌اش بهمه جا رسید و شهرتش نزد همه کس شناخته شد. او در علوم معقول کتابهای ذیقیمتی بیادگار گذارده و حکما و دانشمندان بزرگی تربیت کرده است.

کتاب «التحصیل» در منطق و طبیعی و الهی شاهکار اوست که از هزار سال تا کنون همواره مورد استفاده حکما و فلاسفه اسلام و بیگانه بوده و هست.

این استعداد در اغلب افراد ایرانی هست. ایرانی واقعاً مستعد هر گونه ترقی و پیشرفت است ولی باید با و میدان و محیط داد، استاد دلسوز و وسائل کار داد تا در شرائط مساعد نه تنها بپای ملل راقی جهان امروز برسد بلکه از مرز آنها هم قدم فراتر نهد.

پیغمبر اسلام (ص) میفرماید: **لو کان العلم بالثریا لتناوله رجال من فارس** یعنی اگر دانش بستاره ثریا آویخته باشد، مردانی از فارس بآن خواهند رسید!.